



پایگاه شهید چمران مسجد ابو الفضلی ۶۰ شهید تقدیم انقلاب کرده است

قصه‌های مسجد و جنگ

گل دفتر

۶۶

معصومه فرمانی کیا

قهرمان‌ها را معمولا به یک شکل تصور می‌کنیم؛ با جامی بالای سر، مدالی بر سینه و حلقه گلی بر گردن. اما انسان‌هایی هستند که دور از این تصویر پرتکرار باز هم قهرمان‌اند، به دنبال آرمان‌های خویش هستند و از این آرمان‌ها دفاع می‌کنند.

قهرمان‌های بی‌نام‌ونشان به این سبک در محله‌ها کم نداریم.

روایت این هفته حرف از یک مسجد نه خیلی بزرگ است. یک پایگاه قدیمی افتخاری و پرافتخار. یادآوری خاطرات ۶۰ شهید از این مسجد با نوعی سرخوشی و غرور همراه است که مشتاقان می‌کند پا به کوچه‌پس‌کوچه‌هایی بگذاریم که هنوز هم بافت قدیمی خود را دارند؛ باریک و بلند. شکل و شمایل مساجد شبیه هم است و با هم خیلی فرق ندارند؛ با گلدسته‌های به‌نسبت بلند و کاشی‌کاری‌های فیروزه‌ای و صدای اذان که طنینش هر قلبی را منقلب می‌کند. مسجدها هنوز و برای همیشه ماندگارترین و هویت‌سازترین بخش یک محله هستند. هر کدام داستان مربوط به خود را دارند. جالب اینکه گذر زمان هم آن‌ها را از نفس نمی‌اندازد.

برگ‌های درختان سبز و زرد می‌شوند، می‌ریزند، موجودات زادوولد می‌کنند، گل‌ها شکوفه می‌زنند، اما آن‌ها نه جابه‌جا می‌شوند و از بین می‌روند و نه علاقه و عشق اهالی بهشان کمرنگ می‌شود. در واقع برگی ارزشمند و زرین از تاریخ یک محله‌اند. این‌ها را بگذارید کنار این موضوع که گاهی یک پیشامد ساده می‌تواند نقشه راه را برای آینده‌مان ترسیم کند. انبوهی از اتفاقات و فرازونشیب‌های مسیر را پشت هم بچیند و آدم را از سرازیری به سربالایی‌های زندگی رهنمون کند.

درست مثل اهالی این محله که خیلی‌هایشان برای خود کسی شده‌اند. از دل همین مسجد کوچک ابو الفضلی که هنوز صدای اذانش پای خیلی‌ها را سست می‌کند و بر نامه‌های فرهنگی اجتماعی زیادی دارد. محله‌اش خیلی بزرگ نیست، با همان کوچه‌های بلندی که سر هر کوچه نام یک شهید را بر خود دارد. این محله که وسط نقشه شهری جایی به خودش اختصاص داده است، آبادی‌اش را بعد از انقلاب و جنگ دارد. محله‌ای که در قدیم خیلی کوچک و محدودتر از این حرف‌ها بوده است.

هنوز هم بیشتر ساکنانش خانواده شهید هستند، اما گذر روزگار

● پایگاهی که به نام چمران شد

حاج آقا وارسته استاد حوزه است، هنرمند و خطاط، مؤلف و نویسنده که سرگذشت ۶۰ شهید مربوط به پایگاه را در دست تهیه و تدوین دارد. قبل از هر صحبتی یاد می‌کند از تک‌تک آن‌هایی که امروز جایشان خالی است و به‌ویژه جانباز شهید، حاج فیاض دری که فرمانده پایگاه بود و چند ماه پیش به یاران شهید مسجدهی‌اش پیوست. حرف از این پایگاه خیلی زیاد است. حاج آقا همین اول کلامی به آن اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: آن‌هایی که رفتند و شهید شدند که حکمشان مشخص است. خیلی‌ها اسیر بودند و آزاده هستند و برخی‌ها هم خدمتگزار در پست‌های فرهنگی و مهم. قبل از انقلاب هم ماجراهای خودش را دارد که نقل آن زمان بر و طولانی است، اما من بکراست می‌روم به زمان تشکیل پایگاه مسجد. از همان زمانی که امام (ره) دستور شکل‌گیری پایگاه‌ها را داد، این مجموعه هم شکل گرفت. البته آن زمان به نام خود مسجد بود، یعنی پایگاه مسجد ابو الفضلی. پایگاه در

زمان مسئولیت شهید دری و به دلیل علاقه‌ای که ایشان به شهید چمران داشتند، به نام شهید شد.

● زیر مجموعه مسجد شمس الشمس

در زمان جنگ بعد از مسجد رضوی و هدایت، ابو الفضلی سومین پایگاه و مسجد منطقه بود که بیشترین نیروی اعزامی را به خط مقدم داشت. اوایل بیشترین نیروها از مسجد هدایت اعزام می‌شدند و بعدها تعداد نیروهای اعزامی این مسجد هم به همان میزان رسید و گاهی بیشتر. این را نگفتم که مسجد شمس الشمس مرکز بود و ۱۲۵ پایگاه از جمله پایگاه ما زیر مجموعه آن بود. ۲۲ ساله بودم که به این محله آمدم. آن زمان مشغول تحصیل در سطوح عالی بودم و فکر کردم در فعالیت‌های فرهنگی بازدهی بیشتری می‌توانم داشته باشم و وارد این حیطه شدم. زندگی ام حول و حوش همین مسجد و پایگاه می‌چرخید. کسانی که به اینجا رفت‌وآمد داشتند را می‌پایدم و روز به روز عمیق‌تر می‌شدم و بیشتر شیفته و طالبشان. اوایل آبان ۵۹ یک‌ماه و چندروز

از جنگ گذشته بود که محله وارد مرحله تازه‌ای از زندگی شد. مرحله‌ای که چندسال تمام طول کشید و حال‌وهوای تماشایی داشت. روزهای جنگ را می‌گویم. این‌ها جا دارد چندین و چندبار روایت شود تا از خاطر نرود. خیلی‌ها داوطلبانه به خط مقدم رفتند و در عملیات‌های مختلف شرکت کردند، اسیر یا مجروح شدند. بچه‌هایی که معتقد بودند تیر و ترکش قابل نیست که آدم با آن‌ها شهید شود، عاشق باید سرش را بدهد. آن‌هایی که خمپاره کنار گوششان پایین می‌آمد. این نشانه خوبی بود که بچه‌ها سرزمین و شهر و محله‌شان را دوست دارند و برای آن از جان مایه می‌گذارند. هر وقت از حال‌وهوای جبهه حرف می‌زنم، انگار دارم فیلم می‌بینم. درست همان روزها و ساعت‌ها و لحظه‌ها را. بچه‌های محله و پایگاه هنوز هم اگر این دیدگاه را داشته باشند، موفق می‌شوند. همدلی‌ها همه چیز را پیش می‌برد.

● تأثیری که فرمانده پایگاه داشت

شهید دری تأثیر زیادی در این ماجرا داشت. حاج حسین

بر اینجا هم تاخته است. خیلی از آدم‌هایش از دنیا رفته‌اند، بعضی‌ها نقل مکان کرده‌اند و آن‌هایی که مانده‌اند، سالمند هستند و از تک‌وتا افتاده و نفس‌هایشان به شماره افتاده است. حالا خانه‌ها چسبیده به هم است و جمعیت زیاد. قدیم خانه‌هایی که در دریا و پنجتن پا می‌گرفتند، خارج از محدوده شهری بودند. ساکنان به اولین چیزی که در محله فکر می‌کردند، ساخت مسجد بود. گفته می‌شود یکی از قدیمی‌های محله به نام سیدطاهر آتشی که در آتش‌نشانی کار می‌کرد، عهده‌دار سروسامان دادن به کارهای آن بود و چون کار به‌صورت خودجوش و مردمی انجام می‌شد، خیلی زود به نتیجه رسید. مسجد هنوز هم بزرگ نیست، اما اتفاق‌های بزرگی به دست ساکنان محله در آن رخ داده است و آدم‌های بنام و معروف در پس تاریخچه آن نشسته‌اند که شهید بابانظر یکی از آن‌هاست؛ شهرد و نام‌آشناست و نیاز به معرفی بیشتر از این هم نیست. شهید یعقوب بخشنده، معاون یکی از گردان‌های لشکر نصر، شهید محمدرضا خیری، عباس‌زاده و شهدای دیگر... بین همه آن‌هایی که با گذشته و فرازوفرودهای مسجد آشنا هستند، پای حرف چند نفرشان می‌نشینیم.

فتوحی اولین فرمانده پایگاه بود، بعد هم محمدولی سفیدی بود. بعد هم حاجی دری مسئول پایگاه شد و با بچه‌ها رفیق و دوست. این رابطه آن‌قدر صمیمی و نزدیک بود که هرکس پا به مسجد و پایگاه می‌گذاشت، بیرون رفتنی نبود. پای مرگ و زندگی‌شان در میان بود، ولی با ولع و اشتیاق آن را می‌پذیرفتند. می‌خواهم این را تأکید کنم که پایگاه را از همان روزهای اول کار، بچه‌ها رونق داده بودند. از هر طیف و سنی مراجعه‌کننده داشتیم. آمدنشان به مسجد همان و ماندگار شدنشان همان. نه اینکه با بچه‌های دیگر تفاوت داشته باشند. متناسب با حال‌وهوای جوانی‌شان، چرخ‌زنی در بستنی‌فروشی‌ها معروف بود. فوتبال توی کوچه و شوخی و مزاح و دنبال سر هم کردن‌ها جای خود، اما به وقش موضوع جدی می‌شد. پایگاه از همان روزهای اول بر محور آموزش‌های رزمی شکل گرفت. بین ۳۰۰ تا ۳۵۰ نفر هم عضو داشت. خیلی از بچه‌ها فرماندهان بزرگ جنگ بودند. بنام ترینشان شهید بابانظر است که خانه‌شان پشت مسجد بود.



شهید دری فرمانده سابق پایگاه



علی مخیران فرمانده جدید پایگاه